

---

## شرایط امداد الاهی در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه

---

زینب یوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

امداد غیبی لطف خاصی است که طبق قانون خاص، نه قانون عام طبیعت، شامل حال انسان می‌گردد. امداد در اصطلاح قرآن به معنای یاری رساندن بصورت متصل، مداوم و پی در پی است. این سنت به دوگونه عام و خاص تقسیم می‌شود که شرایطی برای جلب آن وجود دارد به طوری که هرکس این شرایط را نداشته باشد از امدادهای الاهی محروم خواهد شد و وضعیتش تغییر خواهد کرد. بنابراین محقق بر آن شد به روش نقلی - وحیانی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پردازش داده‌ها به روش توصیفی به شرایط امدادهای الاهی از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه با تأکید بر بیانیه گام دوم در چهار بخش؛ بخش اول مفاهیم؛ بخش دوم شرایط اعتقادی اعم از توحید و دوری از شرک و اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام؛ بخش سوم شرایط اخلاقی اعم از توبه، دعا، اخلاص، صبر و استقامت، تقوا و پارسایی، به بن بست رسیدن اسباب مادی، درماندگی، احسان، توکل؛

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، معاون پژوهش مدرسه علمیه ریحانه الرسول

بخش چهارم شرایط رفتاری اعم از دفاع از دین، جهاد، تلاش اصلاح جویانه، اجرای قانون، مقابله به مثل در برابر ظلم، هجرت پیامبر اکرم صلوات الله علیهم و پیروی از کتب آسمانی، بپردازد.

کلید واژگان: امداد الهی، غیب، جامعه اسلامی، قرآن کریم، نهج البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

## ۱. مقدمه

«امداد» مصدر باب «افعال»، به معنی یاری رساندن و به فریاد رسیدن است (معین، ۱۳۹۱: ص ۳۳)، یاری رساندن ممکن است در راه خیر باشد یا در راه شر، امداد در اصطلاح قرآن کریم از ریشه (م د د) به معنای یاری رساندن بصورت متصل، مداوم و پی‌درپی است (مطهری، ۱۳۵۰: ۲۷)، بنابراین امداد به یاری کردنی اطلاق می‌شود که جنبه دائمی داشته باشد و به صورت مستمر ادامه یابد. امداد خداوند، از دیدگاه قرآن کریم، به عنوان یک قانون و سنت الهی مطرح می‌گردد که خداوند با اشاره به سرگذشت پیشینیان، همگان را به تأمل و تفکر در این باره دعوت می‌کند از دیدگاه قرآن کریم، عملکرد امت‌های سابق و همچنین نحوه رفتار خداوند در قبال آنان یک سنت جاری و همیشگی است. قرآن کریم با تصریح بر تغییرناپذیری سنت‌های الهی، امداد و نصرت خود را به عنوان یک سنت و قانون دائمی مشمول پیامبران و مؤمنان در همه زمان‌ها می‌داند امداد کمک و لطف الهی است که شامل تمام هستی می‌شود.

سنت امداد در قرآن کریم، به دوگونه عام و خاص قابل تقسیم است که شرایطی برای جلب آنها وجود دارد به طوری که هر کس این شرایط را نداشته باشد از امدادهای الهی محروم خواهد شد و وضعیتش تغییر خواهد کرد و بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

در این زمینه کتاب و مقاله و پایان‌نامه‌هایی تبیین شده است، نظیر: «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، نوشته مرتضی مطهری؛ «امدادهای غیبی از نگاه قرآن»، تالیف محمد حسن ناصحی؛ «سنت‌های الهی در نهج‌البلاغه»، اثر قاسمعلی کوچنانی؛ لیکن این مسئله به صورت مدون و جامع و با بررسی کامل زوایای آن از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب انجام نشده است.

بنابراین محقق بر آن شد به روش نقلی - وحیانی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پردازش داده‌ها به روش توصیفی به شرایط امدادهای الهی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب پردازد.

## ۲. مفهوم شناسی امداد

کلمه امداد مصدر باب افعال به معنی یاری رساندن و به فریاد رسیدن است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱/ص ۵۰۱).

امداد در اصطلاح به معنی یاری رساندن به صورت متصل، مداوم و پی در پی است. بنابراین به یاری کردنی اطلاق می‌شود که جنبه دائمی داشته باشد.

## ۳. شرایط اعتقادی امدادهای الهی

در قرآن کریم با دسته‌ای از آیات مواجه می‌شویم که نصرت و امداد الهی را منحصر و منوط به خواست، اراده و مشیت خداوند نموده‌اند، و مضمون آنان این چنین است که مشیت خداوند به هر کسی تعلق گیرد، او را یاری رسانده و امدادش می‌نماید، و هر کس که مورد مشیت الهی قرار نگیرد از امداد خداوند محروم خواهد بود، مانند آنچه در سوره آل عمران می‌خوانیم: «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ؛ و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند» (آل عمران / ۱۳)، و یا در سوره یوسف: «جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ؛ یاری ما به آنان رسید پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند» (یوسف / ۱۱۰)، و یا در سوره روم: «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ؛ هر که را بخواهد یاری می‌کند» (روم / ۵)

چنانکه ملاحظه می‌کنید در این آیات فقط خواست و اراده خداوند مورد توجه قرار گرفته است، اما با توجه به اینکه خواست خداوند بی‌حساب نبوده بلکه از روی حکمت و مصلحت بوده، می‌دانیم که حکمت الهی اقتضا می‌کند که همه امور از طریق اسباب و علل خود انجام شود، پس بایستی بررسی شود که چه عوامل و زمینه‌هایی برای برخورداری از امدادهای وجود دارد، تا بتوان از آن طریق به آنها دست یافت و بهره‌مند شد، از این رو در این بخش به بررسی برخی از عوامل و زمینه‌های اصلی و عمده اعتقادی در موضوع مزبور با

تاکید بر بیانیه گام دوم پرداخته می‌شود: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تُنَزَّلُ الْمَعُونَةُ عَلَى قَدْرِ الْمَعُونَةِ؛ کمک الهی به اندازه نیاز فرود می‌آید» (نهج البلاغه: ص ۴۶۹)

#### أ. دوری از شرک (یکتاپرستی)

یکی از عوامل برخورداری از امدادهای الهی، باورهای توحیدی و یکتا پرستی است، که از قرآن نیز می‌توان آن را به اثبات رساند، به آیه شریفه سوره مائده توجه کنید: «... إِنَّهُ وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست» (مائده/۷۲)

چنانکه ملاحظه می‌کنید درآیه شریفه سخن از شرک به خداوند است و اینکه هرکس شرک بورزد مصداق بارز ظالم است، و از امداد و نصرت خداوند محروم خواهد شد، اما چنانچه در آیه درایتی به خرج دهیم می‌بینیم که این برداشت مربوط به ظاهر آیه است ولی به مفهوم مخالف دلالت می‌کند که هرکس از شرک بپرهیزد و به توحید و یکتا پرستی گرایش پیدا کند، از امدادهای الهی بهره مند خواهد شد و همین برخورداری از امدادهای الهی برای زمینه‌سازی در حکومت مهدوی نیز کارساز خواهد بود.

ابراهیم وقتی از دعوت آزر به توحید و دین توحیدی نتیجه‌ای نگرفت، تصمیم گرفت که از او جدا شود، و در جای دیگر به تنهایی زندگی کند، و به عبادت و بندگی خدای یکتا پردازد تا مشمول شقاوتی که آنان با شرکشان گرفتار آن شدند، نشود؛ خداوند نیز برای اینکه ابراهیم به خاطر وی از آنان جدا شد و مسیر توحیدی خویش را ادامه داد و زمینه برخورداری از امداد الهی را فراهم نمود، با امداد خود او را یاری رسانده و با اعطای فرزند از تنهایی رهایش ساخت.

قرآن کریم از قول ابراهیم می‌فرماید: «وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا؛ و از شما و از آنچه غیر

از خدا می‌خوانید». (مریم/۴۸)

کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم. امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم. و چون از آنها و از آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم. و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.

شیخ طوسی می‌نویسد: مقصود از «اعتزلکم» این است که از آنچه شما او را بندگی می‌کنید، جدا شده و کناره می‌گیرم، و به عبادت خدایم می‌پردازم، و گفته شده که جدایی ابراهیم به این بوده که به منطقه شام رفت، و امداد خدا به وی به این بوده که وقتی از آنها جدا شد و تنها گشت، به سبب دو فرزند «اسحاق و یعقوب» که در نزد خدا بسیار باکرامت بودند، او را از وحشت تنهایی رهانید و آن دو مونس تنهایی وی شدند. و امداد دیگر نسبت به وی این بود که از نعمت الهی به وی زبان خیر و بلندی برایش قرار دادیم، که ابن عباس و حسن می‌گویند: مقصود از زبان خیر، ثناگویی و تعریف و تمجید همه ملت‌ها نسبت به ابراهیم است.

ابن کثیر می‌گوید: چونانکه ابراهیم قوم و خانواده خود را رها کرد و از آنها جدا شد و به شهرهای دیگر هجرت نمود، خدا به جای آنها، فرزندان صالح و نیکی در صلب وی قرار دادیم تا با به دنیا آمدن آنان، چشم وی روشن شود.

#### ب. اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام

آموزه‌های دینی مشتمل بر دو مفهوم ولایت و امنیت و یا نقیض آن، یعنی عدم ولایت و عدم امنیت، به سه دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. برخی روایات پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را موجب ایمنی از آسیب‌های اخروی

می‌دانند. حدیث قدسی معروف می‌فرماید: ولایت علی بن ابیطالب علیه‌السلام دژ محکم

من است و هر کس در این دژ درآید از عذاب در امان خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۴:

۲۴۶/۳۹). قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمْ

الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا؛ به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید» (فصلت / ۳۰) در تفسیر این آیه وارد شده است: کسانی که بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام استقامت ورزند، لحظه مرگ ملائکه الهی بر آنها فرود می‌آیند و به آنها ندا می‌دهند که ترس و اندوهی به دل راه ندهید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶۶/۶) در حدیث دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ولایت من و اهل بیتم امان از آتش جهنم خواهد بود (همان)

۲. برخی دیگر از روایات، ولایت پذیری اهل بیت علیهم السلام را امنیت آفرین می‌دانند، بدون اینکه جهت خاصی را ذکر نمایند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (یونس / ۶۳)؛ آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند». از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد تفسیر اولیاء الله سؤال شد. حضرت فرمود: ما اهل بیت و یاران ما و پیروان بعد از ما، اولیای خدا هستیم (عیاشی سمرقندی، ۱۳۸۰: ۱۲۴/۲) امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: کسی که به اهل بیت پناهنده شود در امان است (قمی، ۱۳۷۷: ۶۱۳/۲). در کتب ادعیه، در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم: هر کسی به شما توکل کند ایمن خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۹۷)

۳. برخی دیگر از روایات، ولایت پذیری اهل بیت را موجب ایمنی از آسیب‌های دنیوی می‌دانند. در روایتی، امام هادی علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب می‌فرماید: ای سهل! برای شیعیان ما به واسطه ولایتی که دارند حفاظ و پناهی است، که اگر به قعر دریاها غوطه ور شوند و یا در دل بیابان‌های بی‌آب و علف به میان درندگان و دشمنان از جن و انس راه پیمایند، از خطرها در امان باشند. پس به خدای متعال اتکا کن و در ولایت به ائمه خالص باش، بعد به هر جا خواهی برو و هر مقصدی را که خواهی دنبال نما.

از مجموع روایات استفاده می‌شود که پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام موجب ایمنی از آسیب‌های دنیوی و اخروی می‌گردد و این حکم کلی استخراج می‌شود که ولایت پذیری اهل بیت موجب امنیت است. اما برای تبیین صحیح بحث، لازم است مسئله و مشکلی که زمینه صدور این دسته از روایات را فراهم آورده، استخراج گردد. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که مسئله و مشکل مخاطبان چه بوده است که این دسته از روایات با حجم گسترده، از اهل بیت صادر شده است؟ با دقت در حکم کلی (ولایت پذیری موجب امنیت است)، به ویژه محمول قضیه (امنیت) که در همه روایات ذکر شده است، به مسئله اساسی که زمینه طرح بحث ولایت در آن به وجود آمده، پی می‌بریم. مسئله فراگیر خوف و اضطراب، ناشی از آسیب‌ها و تهدیدات گوناگون است که امنیت فردی را به خطر انداخته است و این امر، مخاطب را واداشته برای دفع آسیب‌ها به امامان معصوم علیهم‌السلام رجوع نماید. از آنچه گفته شد روشن می‌شود که از منظر متون دینی، نیاز به امنیت اختصاص به دوران کودکی ندارد و با توجه به عوامل مختلف تشدیدکننده و آسیب‌زا، انسان در بزرگ سالی هم نیاز به سرپرست دومی دارد که از علم و دانش و قدرت و تدبیر برخوردار باشد تا بتواند این تأثیر را بر جای گذارد. از این رو، خداوند متعال این نعمت بزرگ را در پذیرش ولایت و سرپرستی انبیا و پس از نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تحت عنوان پذیرش ولایت و سرپرستی امامان علیهم‌السلام به بشر ارزانی داشته است. که هر کس ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفته باشد بی‌شک از امدادهای الهی بهره‌مند خواهد شد و از این طریق می‌تواند خود و جامعه خود را آماده ظهور حجت خدا کند.

#### ۴. شرایط اخلاقی امدادهای الهی

##### أ. توبه

اگر چه برخوردار از نعمت‌های مادی دنیا، مرهون اسباب و علل مادی است، اما به طور قطع و یقین عوامل معنوی نیز در آنها نقش مؤثری خواهند داشت، نزول باران، بهره‌مندی از امکانات مادی دنیا، و فرزند دار شدن، همه از نعمت‌هایی است که در ضمن علل



مادی، دارای علل معنوی نیز هستند که از جمله آنها، توبه و استغفار می باشد؛ خداوند در قرآن کریم از قول نوح نقل می کند که گفت: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ وَكَانَ غَفَّارًا يَرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِيئَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ (نوح: ۱۱ - ۱۲)

و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. تا بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».

امیر المؤمنین در حدیثی فرموده است: به تحقیق خداوند استغفار را سبب نزول و فراوانی روزی و رحمت برای خلق قرار داده است، و سپس امام علیه السلام به آیه شریفه مزبور برای سخن خویش استناد می نماید. (امامی، بی تا: ۷۶/۳)

#### ب. دعا

استغاثه که عبارت از یاری طلبی و نصرت خواهی است، یکی از مفاهیم مفردات راغب و مورد توصیه قرآن کریم به بندگان مؤمن است، و آیاتی نیز به آن پرداخته است و به عنوان یکی از زمینه های برخورداری از امداد و کمک الاهی، نیز شمرده شده است، خداوند این مدد خواهی و تقاضای کمک را از زبان برخی از پیامبران و بزرگان مانند نوح علیه السلام، لوط علیه السلام، طالوت و یارانش، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان نقل نموده است.

در آیه شریفه سوره انفال از زبان پیامبر و مؤمنان می فرماید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَلِ - كَةِ مُرْدِفِينَ؛ (انفال / ۹)

به یاد آورید زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: « من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد».

مرحوم طبرسی در بیان آیه شریفه می نویسد: خداوند در آیه امداد و یاری خود را نسبت به مسلمانان در جنگ بدر را گوشزد می کند، که در آن روز وقتی نگاهتان به تعداد فراوان سپاه دشمن، و تعداد اندک سپاه اسلام افتاد، دلهایتان لرزید، و از خدا طلب یاری و کمک کردید،

من نیز اجابت کردم، یعنی پس از مدد خواهی شما، هزار فرشته را برای یاری و کمک در راه پیروزی به امداد شما فرستادم، که هزار فرشته دیگر نیز به دنبال آنان بودند، و به نظر برخی همان هزار فرشته اولی به دنبال یکدیگر فرود آمدند، و این ارسال ملائکه فقط برای بشارت به نصر و پیروزی شما بود.

در پاره‌ای از روایات شان نزول آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با مسلمانان در یاری طلبیدن از خدا هم صدا بوده است، وی دست خود را به سوی آسمان آشوده و می گفت: پروردگارا! وعده‌ای را که به من داده‌ای، تحقق بخشای. خدایا! اگر این گروه مؤمنان نابود شوند، پرستش تو از زمین برچیده خواهد شد، و آن قدر این یاری طلبی و دعا را ادامه داد تا عبا از دوشش افتاد. (طبرسی، ۱۴۲۹: ۲۲۷/۴)

این مطلب در آیه ۲۱۴ سوره بقره به صورت روش مستمر تاریخی از پیامبران الهی و امت‌های آنان بیان شده است، آنجا که می فرماید: *أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَتَيَّ نَصْرُ اللَّهِ أَلَّا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ*؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به هول و تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر خدا و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: « پیروزی خدا کی خواهد بود؟ » *هُشدار، که پیروزی خدا نزدیک است.* (بقره/۲۱۴)

### ج) اخلاص

اخلاص و پاک کردن انگیزه‌ها علاوه بر اهمیت و ارزشی که در انجام اعمال و رفتار آدمیان دارد، یکی از عوامل و زمینه‌های جلب امداد الاهی نیز به شمار می آید؛ قرآن رهایی یوسف از ارتکاب گناه و دام خطرناکی که همسر عزیز مصر برایش گسترده بود، را در سایه اخلاص وی می داند، چنانکه می فرماید: *«كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ*؛ چنین کردیم تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان

مخلص ما بود». (یوسف/ ۲۴)

این نشانه آن است که خداوند بندگان خالص شده خویش را در بحران‌ها تنها نمی‌گذارد؛ بلکه با امدادهای الاهی می‌رهاند.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ لَانَ عُوْدُهُ كَثَفَتْ اَعْمَانُهُ؛ کسی که درخت شخصیت او نرم و بی‌عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۹۶: ص ۴۸۱)

مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: عبارت اخیر آیه شریفه، در مقام علت آوردن برای این مدد الاهی است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۱/۱۳)

#### د) صبر و استقامت

امداد الاهی در برخی از آیات قرآن کریم به پایداری، استقامت در انجام وظیفه و مقاومت در برابر مشکلات مشروط شده است، «بَلَىٰ اِنْ تَصْبِرُوْا... يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِّنَ الْمَلَلِ - كَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری، اگر صبر کنید... همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد». (آل عمران/ ۱۲۵)

«يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلٰى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ وَ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلٰى فَخِذِهِ عِنْدَ مُصِيبَةٍ حَبِطَ عَمَلُهُ (آجره)؛

صبر به اندازه مصیبت فرود می‌آید و آن که در مصیبت بی‌تاب بر رانش اجرش نابود می‌گردد. (نهج البلاغه، مترجم دشتی، ۱۳۹۶: ۴۶۹)

چنانکه ملاحظه می‌شود و بحث آن نیز در عامل بودن تقوا پشت سر گذاشته شد، امداد الاهی در قالب پنج هزار فرشته به چند عامل بستگی داده شده که یکی از آنها پایداری و استقامت است، که چنانچه مجاهدان این سه عامل را به وجود آورند، به امداد الاهی خواهند رسید، و از آنجا که روی سخن با پیامبر است، می‌توان این نکته را استفاده نمود که ایشان نیز چنانچه در برابر پذیرفته نشدن رسالت وی از سوی مردم، و اذیت و آزار آنان پایداری و استقامت کند، امداد الاهی به سراغ وی خواهد آمد و سرانجام به پیروزی خواهد رسید، چنانکه پیامبران پیشین نیز همین شیوه پایداری را عمل کرده و از امداد و نصرت

الهی بهره مند گردیدند.

یکی از آیات دیگری که می‌توان برای عاملیت استقامت و بردباری به آن استدلال کرد، آیه‌ای در سوره جنّ می باشد که می فرماید: «وَأَلِّوْا سِتْقَمُوْا عَلَی الطَّرِیْقَةِ لِأَسْقِیْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا؛ و اگر مردم در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم» (جن / ۱۶)

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می نویسد: بعید نیست که بتوان از سیاق آیات، اینگونه استفاده نمود که جمله «لاسقیناهم ماء غدقا» ضرب المثلی است که برای توسعه در رزق و روزی انسان‌ها به کاربرده می شود، و در این صورت معنی و مفهوم آیه اینگونه خواهد شد که چنانچه موجودات اعمّ از انسان‌ها و جنّی‌ها بر آیین اسلام برای رضایت خداوند پایداری و استقامت نمایند، ما به خاطر پایداریشان، توسعه در رزق و روزی آنان قرار خواهیم داد، مانند آیه‌ای دیگر در قرآن که می‌گوید: چنانچه مردم ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، ما درهای برکات آسمان و زمین را به روی آنان می‌گشاییم. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۰ / ۴۶)

ابوبصیر روایتی از امام صادق نقل می‌نماید که از آن حضرت در باره آیه مزبور پرسیدم و امام فرمود: یعنی ما آن‌ها را با اعطای علم و دانشی که از ائمه می‌آموزند، مدد رسانده و امدادشان می‌کنیم (همان)

#### ه) تقوا و پارسایی

تقواپیشگی، عامل عمده دیگر برای دریافت امداد و کمک‌های الهی است، این مطلب در آیات بسیاری از قرآن کریم مشاهده می‌شود، و انواع کمک‌ها و امدادها پیرو آن قرار داده شده است.

تشخیص حقّ از باطل، بخشیدن گناهان و آمرزش از امدادهایی است که با عاملیت تقوا پیشگی حاصل می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ...» (انفال / ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آمرزد».

خروج از تنگناهای دنیوی و اخروی، فراهم آمدن تسهیلات در کارها، و پیدا کردن مسیری آسان برای دست‌یابی به هدف، گشوده شدن درب‌های برکت از آسمان و زمین، همه و همه از امدادهایی است که مشروط به شرط تقوا شده و با وجود آن تحقق می‌یابد، «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَاكْرَهُ يَسْرًا؛ و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند. و هر کس از خدا پروا دارد خدا برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد». (طلاق/ ۲ - ۴)

مرحوم طبرسی در مورد این آیات تصریح کرده که خداوند تقوا را از اسباب توسعه در رزق و روزی قرار داده است. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳/ ۳۴۲)

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى فَسَنُيَسِّرْهُ وِلْيَسِّرْهُ؛ اما آنکه حق خدا را داد و پروا داشت، بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت». (لیل/ ۵)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ...؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم». (اعراف/ ۹۶)

آلوسی می‌گوید: مقصود این است که دست‌یابی به هر خیر و نیکی را برای آنان آسان می‌سازیم، و پس از آن از قول دیگران نقل می‌کند که مقصود از برکت‌های آسمانی، باران، و برکت‌های زمینی، گیاه است. (آلوسی ۱۴۱۵: ۵/ ۱۱)

دستیابی به پیروزی با امداد فرشتگان نیز در برخی از آیات به عاملیت تقوا گره خورده است، «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ ءَالَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ (ال عمران/ ۱۲۵) آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش و خروش بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد».

به عقیده برخی از مفسران، آیه مزبور به جنگ احد مربوط است، و عواملی برای

دستیابی به امداد الهی ذکر شده، که يك از آنها تقوا و پارسایی است، اما چون این عوامل فراهم نیامد، امداد الهی با پنج هزار فرشته نیز شامل حال مسلمانان نشد، وگرنه اگر فرشتگان به کمک آنان می‌آمدند، قسمت عمده لشکر پیامبر ﷺ در آن جنگ نمی‌گریختند، و در نتیجه شکست نمی‌خوردند. (انصاری قرطبی، ۱۳۶۹: ۴/۱۳۶۹)

اما به نظر برخی از مفسران مانند مرحوم علامه طباطبایی، آیه مزبور در باره جنگ بدر می‌باشد، اما در مفاد آن، که مشروط بودن امداد پنج هزار فرشته به سه شرط، که از جمله آنها تقوا پیشگی باشد، تردیدی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴/۸)

در چند آیه دیگر به گونه دیگری از امداد رسانی با عاملیت تقوا و پارسایی مواجه می‌شویم که خداوند خود را همراه انسان‌های پرهیزگار و با تقوا دانسته است؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا...؛ در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند». (نحل / ۱۲۸)

مرحوم طبرسی درباره چگونگی همراهی خداوند با تقوا پیشگان و امداد آنان در آیه سوره نحل می‌نویسد: همراهی خداوند با تقوای پیشگان به صورت نصرت بخشی (امداد رسانی)، محافظت و حمایت از آنان است، و مقصود از تقوا در این آیه، پرهیز از شرك، کارهای زشت، و گناهان کبیره است؛ (طبرسی، ۱۴۲۵: ۶/۶۰۶) اما معیت و همراهی با تقوای پیشگان در دو آیه اخیر سوره توبه به امداد رسانی و سرپرستی آنان تفسیر شده است، و در جای دیگر می‌گوید: یعنی خداوند معین و ناصر آنان خواهد بود و هر کس که خدا ناصر او باشد، هیچگاه مغلوب واقع نخواهد شد.

#### و) به بن بست رسیدن اسباب مادی

سنت خدا بر این قرار گرفته که همه کارها در دنیا بر اساس علت‌ها و اسباب طبیعی عادی انجام پذیرد؛ و تا جایی که ممکن باشد عوامل غیر عادی را جایگزین عوامل عادی نکند؛ اینگونه نیست که رزمندگان مؤمن بدون هیچ گونه ابزار و آلات جنگی در میدان مبارزه و جنگ پیروز شوند؛ بلکه بالعکس، به آنان دستور فراهم آوردن تدارکات جنگی می‌دهد،

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...؛ (انفال/ ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید».

اما در هر صورت ممکن است همه این اسباب مادی و طبیعی نتوانند آن طور که باید کارساز شوند، و شکست مسلمانان نیز خطرات فراوانی در پی داشته باشد، این جا است که پس از نومید شدن از اسباب مادی و قطع امید کردن از آنها، امدادهای الهی به سراغ آدمی می آید.

در آیه ۲۱۴ سوره بقره در برابر اندیشه باطل گروهی که می پنداشتند عامل ورود به بهشت، تنها اظهار ایمان است، به سنت دائم خدا اشاره کرده که گذشتگان نیز به سختی های بسیار دچار شدند، به طوری که از شدت سختی ها، پیامبران و آنان که بدیشان گرویده بودند، ندا بر آوردند که یاری خدا کی خواهد رسید؟ جمله «متی نصرالله» را زمانی گفتند که سختی ها به شدت رسیده و از همه جا ناامید شده بودند، و تنها منتظر امداد الاهی بودند، و به دنبال این جمله، خدا به آنان بشارت می دهد که یاری و امداد خدا نزدیک است.

در آیه دیگری به بیان مخالفت های برخی از گروه ها در برابر پیامبران می پردازد، و می فرماید: آن قدر مخالفت کردند که پیامبران از ایمان آوردن آنها ناامید گشتند، و در آن حال امداد الاهی به فریاد آنان رسید، «حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا؛ تا هنگامی که فرستادگان ما ناامید شدند و مردم پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید». (یوسف/ ۱۱۰)

ابن کثیر در تفسیر آیه شریفه می نویسد: خداوند در این آیه یادآور می شود که نصرت و امداد او بر پیامبران الهی، در حالت شدت فشارها و انتظار فرج و گشایش در امور، در وقتی که بیش از همیشه به آن نیازمند هستند، فرود می آید. (ابن کثیر ۱۴۱۹ق: ۴ / ۳۶۴)

### ز) درماندگی

یکی دیگر از عوامل دریافت امداد و نصرت الاهی در قرآن کریم، درماندگی و بیچارگی آدمی است، یعنی هرگاه انسان گرفتار مشکلات گردد و از همه جا و همه چیز نیز ناامید

شود، و هیچ‌گونه چاره‌ای و راهی برای نجات و رهایی خود نیابد، در این حال از امداد و کمک خداوند برخوردار خواهد شد؛ قرآن کریم ماجرای هابیل و کشته شدنش به دست قابیل را نقل نموده و داستان درمانگی وی از چگونگی دفن بدن برادر، و راهنمایی او از سوی مامورا خداوند را بدین صورت می‌گوید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ وَكَيْفَ يُوْرِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُوَيْلَتِي أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوْرِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ التَّوَدَمِينَ؛ پس، خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند. قابیل گفت: « وای بر من، آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟ پس از زمره پشیمانان گردید». (مائده/۳۱)

مرحوم طبرسی می‌نویسد: روایت شده است که چون قابیل، برادرش هابیل را کشت، جسد او را در بیابان رهایش کرد، و نمی‌دانست که باید با جسد او چه کند، درندگان به سوی جسد او حمله ور شدند، که قابیل مجبور شد جسد برادر را در کیسه‌ای بگذارد و بر دوش کشد، همچنان پرندگان و درندگان او را تعقیب می‌کردند، و او درمانده و متحیر بود، که ناگاه خداوند دو کلاغ را برای امداد وی فرستاد که با هم جنگیدند و یکی کشته شد و دیگری با عمل خود شیوه دفن جسد را به قابیل آموخت، در این هنگام بود که قابیل به عجز و ناتوانی خود پی‌برد و بدان اعتراف کرد. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۱۶۱/۱)

مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: از سیاق آیه استفاده می‌شود که قاتل مدّت زمانی را در تحیر و درماندگی به سر می‌برد، و مراقب بود که کسی ماجرای قتل را نفهمد، و خود نیز نمی‌دانست که چگونه از جسد مقتول خلاصی یابد، تا اینکه کلاغان امدادگر و مامور خداوند رسیدند و به او آموختند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۸/۴)

### ح) امید و انتظار یاری

تأثیر گذاری امید و انتظار در انجام هر کاری، قابل انکار نیست، خداوند نیز برای امید و انتظار مردم ارزش بسیاری قایل شده و امداد و یاری خویش را در پی این دو عنصر ارزشی به مردم رسانده است.



نمونه‌ای از نقش امید و انتظار در بهره‌مندی از امداد الاهی در قرآن کریم، ماجرای تغییر قبله است، که پیامبر اکرم به جهت اینکه یهودیان او را برای نداشتن قبله مستقل و رو کردن به قبله آنان، سرزنش می‌کردند، همیشه امید این را داشت که خداوند قبله مسلمانان را تغییر دهد، ولی از روی خضوع و بندگی محض، هرگز این خواسته را اظهار نمی‌کرد، اما خداوند بدون اظهار وی خواسته قلبی وی را که با امید و انتظار آمیخته بود، برآورد و او را در رهایی از سرزنش یهودیان امداد رسانید.

قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (بقره/۱۴۴)

ما به هر سو گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس باش تا تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن.»

مرحوم طبرسی می‌نویسد: پیامبر اکرم با نگاه به آسمان منتظر وحی و پیام الاهی در تغییر قبله به سمت کعبه بود، چرا که کعبه قبله پدرش ابراهیم، و جایگاه ارزشمندی در نزد اقوام عرب، و محل طواف آنان بود، و با آن آسان تر دین اسلام را می‌پذیرفتند و ایمان می‌آوردند، و هم چنین مخالفت با یهود در داشتن قبله مستقل نیز حاصل می‌شد. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۱۶۱/۱)

طبری نیز می‌نویسد که پیامبر اکرم پیش از تغییر قبله، با نگاه به آسمان و دوختن چشم به عالم بالا، منتظر برگردادن قبله از بیت المقدس بود، و عبارت «تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ» اشاره به همین معنا دارد. (همان)

برخی از مفسران نوشته‌اند که انتظار پیامبر برای رسیدن وحی در تغییر قبله موجب نزول وحی گردید و تصریح فرمود که‌ای پیامبر من، باش تا تو را به قبله‌ای که خشنود شوی، برگردانیم، و مقصود از این جمله این است که اگرچه تو به حسب اعتقاد و ایمان پایدارت، به هر چه خداوند بگوید خشنودی، اما خداوند می‌خواهد، به حسب طبیعت وجودی ات نیز خشنود باشی. (زحیلی، ۱۴۱۱: ۱۸۸/۱) پر واضح است که خداوند امدادش را برای

پیامبر اکرم، پی آمد امید و انتظار وی قرار داده است، که گویای اهمیت عاملیت آن در امداد الاهی است.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُرْنَتْ الْهَيْبَةَ بِالْخَيْبَةِ... و درود خدا بر او، فرمود: از لغزش جوانمردان در گذرید، زیرا جوانمردی نمی لغزد جز آن که دست لطف خداوند، او را بلند می‌کند». (نهج البلاغه، مترجم دشتی، ۱۳۹۶: ۴۴۶)

### ط) احسان و نیکی

یکی دیگر از عوامل بهره مندی از امداد و کمک الهی، احسان و نیکی است، که در آیاتی از قرآن کریم به آن تصریح شده است، «... وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است». (عنکبوت / ۶۹) بهره مندی نیکوکاران از امداد الهی را از واژه «مع» در قسمتی از آیه شریفه، استفاده نمودیم، چرا که معیت خداوند با محسنین در آیه مزبور، به امداد الاهی تفسیر شده است.

مرحوم طبرسی در باره آیه مزبور می‌نویسد: با محسنین و نیکو کاران بودن، به این معنی است که نصرت و امداد خود را در دنیا همراه آنان ساخته، و در آخرت نیز از پاداش و مغفرت گناهان بهره مندشان می‌سازد.

مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد: «لمع المحسنین» یعنی خداوند ناصر و یاری گر کسانی است که کارهای نیک و خوب انجام می‌دهند، و شر دشمنان را نیز از آنان دور می‌کند. (طوسی، بی تا، ۲۲۶/۸)

علامه طباطبایی معیت در آیه شریفه را به معیت و همراهی نصرت و کمک معنی کرده است. اما قرطبی معیت در آیه شریفه را به گونه‌ای معنا می‌کند.

که يك نوع همراهی ویژه محسوب می‌شود، او می‌نویسد: همراهی خداوند در آیه شریفه با محسنین، همراهی نصرت، یاری، محافظت و هدایت نمودن است، اما نسبت به همه موجودات در گستره آفرینش، همراهی و معیت از روی احاطه و قدرت است، و پر واضح است که میان این دو معیت تفاوت فراوانی وجود دارد.

وَ قَالَ ﷺ: «مَا الْمَبْتَلَى الَّذِي قَدْ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ... أَنْ كَسَّ كَسًا بِهٍ شِدَّةٌ غَرَفْتَارِي دَرْدِي  
است، نیازش به دعا، بیش‌تر از شخص تندرستی است که از بلا در امان است».  
(نهج البلاغه، مترجم دشتی، ۱۳۹۶: ص ۵۰۱)

### ی) توکل

توکل و اعتماد بر ذات همیشه بیدار خداوند از جمله عوامل اخلاقی در جلب امداد  
الاهی به شمار می‌آید، خداوند می‌فرماید: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ  
ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ مِ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ  
کس بر شما غالب نخواهد» (آل عمران/ ۶۶)

شد؛ و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و  
مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

پس با توجه به ذکر جمله حاکی از تحریض بر توکل، پس از ذکر امداد و نسبت آن به  
خداوند، و بیان طبری، عامل بودن توکل برای دریافت امداد الهی روشن و واضح است.

### 5. شرایط رفتاری امدادهای الهی

#### أ. دفاع از دین

به پاداشتن نماز، پرداخت زکات، امر به معروف، نهی از منکر دفاع از دین از امور مهم در  
دریافت کمک و امداد الهی به شمار می‌آید، چرا که دین خداوند هم چنانکه در مرحله  
ایجاد و ابلاغ با حمایت پیامبر اکرم و اصحاب وی صورت گرفت در مراحل بعدی نیز  
نیازمند حمایت و دفاع از آن می‌باشد تا از تهاجمات، خطرات و شبهات در امان بماند، از  
این رو هر کسی که برای ترویج و یا دفاع از دین تلاش کند، خداوند او را امداد و یاری می  
کند، تا به نتیجه برسد.

در آیه شریفه سوره حج به نقش دفاع از دین اشاره کرده است:

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ  
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوْمِعٌ وَبِيعٌ وَصَلَوْتُ وَمَسَجِدٌ يَذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا

وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج/۴۰)

همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند، آنها گناهی نداشتند جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که دین او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است».

مرحوم علامه طباطبایی پس از اینکه ورود آیه شریفه را در مورد بیان علت تشریح جهاد می‌داند، اما یاری کردن دین خدا را منحصر در جهاد و قتال نمی‌داند، بلکه جهاد آخرین راه و آخرین وسیله‌ی یاری رساندن و دفاع از دین و شریعت الهی به شمار می‌آید، او در باره آیه مزبور می‌نویسد: این بخش از آیه «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ؛ سوگند و تاکید فراوانی است بر یاری رسانی و امداد خداوند نسبت به کسانی که با مبارزه از دین او دفاع و حمایت کنند، و خداوند چه زیبا به وعده خودش عمل کرد، و مسلمانان را در هنگام رویارویی با دشمنان در جنگ‌ها، یاری و امداد رسانید، و با امداد الهی به غلبه بر دشمنان دست یازیدند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۴/۳۸۵)

مرحوم طبرسی نیز آورده است که این عبارت از آیه شریفه وعده‌ای است از جانب خداوند به اینکه در آینده‌ای نزدیک هرکسی که از دین و شریعت او حمایت کند، امداد و یاری‌اش می‌نماید، چرا که خداوند بر امداد آنان قادر است. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۷/۱۵۲)

مرحوم شیخ طوسی آیه بعد را از جهت مفهومی در ادامه تفسیر آیه قبل آن می‌داند و آن دو را این چنین به هم ربط می‌دهد و می‌نویسد: «لینصرن الله من ینصره... الذین ان مکناهم؛ یعنی آنانی که به یاری دین خدا اقدام می‌کنند، کسانی هستند که دارای این ویژگی‌ها هستند، و چنانچه در زمین قدرت بیابند، نماز را به پا داشته، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». (همان، ۳۲۲)

پس با بیان شیخ طوسی می‌شود مدعی شد که به پا داشتن نماز، امر به معروف کردن، و نهی از منکر نمودن، هر کدام در نوع خود، عامل و زمینه‌ای برای دریافت امداد الهی است، زیرا همه مصداقی از یاری نمودن و احیای شریعت و دین الهی به شمار می‌آیند.

### ب) جهاد

جهاد و مبارزه برای حفظ و ترویج دین خدا، علاوه بر شایستگی و ارزشی بودن عمل، پی آمدهای را نیز به دنبال خواهد داشت که یکی از آنها، برخورداری از امداد الهی است، اگرچه ممکن است در مواجه شدن با واژه امداد، به ذهن انسان تبادر کند، مقصود از امداد، فرستادن کمک‌های ظاهری است، اما با تأمل بیشتر معلوم می‌شود که خداوند در موارد بسیاری با استفاده تقویت فهم و درک، و یا نشان دادن راه و... به مدد آدمی شتافته و او را امداد رسانده است، آیه شریفه سوره عنکبوت از این قرار است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم». (عنکبوت/۶۹)

مقصود از امداد الهی در این آیه شریفه نشان دادن راه‌های نیک بختی و خیر در دنیا و آخرت است، که می‌توان آن را به هدایت بخشی تعبیر کرد؛ وعاملیت جهاد برای کسب امداد الهی با توجه به ترتیبی که درآیه شریفه وجود دارد، که هدایت متوقف بر جهاد و تلاش شده است، به طور واضح استفاده می‌شود.

### ج) تلاش اصلاح جویانه

اگر چه اراده خداوند در همه امور تکوینی و تشریحی نقش اول را ایفا می‌کند، ولی نقش مفیدی را نیز برای اراده آدمی در نظر گرفته شده است، از این رو قرآن کریم، انسان را به تلاش‌های اصلاح جویانه در امور فرد و اجتماع تشویق نموده است، تا با اصلاح طلبی بتواند از امدادهای الهی در مسیر فراهم نمودن زندگی سالم، همراه با پیشرفت، برخوردار شود.

خداوند پس از بیان يك واقعیت اجتماعی که رخداد اختلاف در میان اعضای خانواده

مانند همسر و شوهر باشد، به تعیین داور از دو سوی برای اصلاح و برطرف نمودن آن، اشاره نموده و می‌فرماید:

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا...»؛ (نسا/۳۵)

و اگر از جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم دارید پس داوری از خانواده آن شوهر و داوری از خانواده آن زن تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.

چنانچه ملاحظه می‌شود، اراده اصلاح جویانه انسان گام اول در بر طرف کردن اختلاف میان زن و شوهر، به شمار آمده است؛ اما این اراده بایستی با امداد الهی همراه شود، چنانکه تصریح شده است: «یوفِّق الله بینهما» به عقیده مرحوم علامه طباطبایی، اسناد توفیق در آیه شریفه به خداوند، با وجود اراده دو طرف برای اصلاح که از سبب‌های عادی محسوب می‌شود، بدین جهت است که خداوند سبب حقیقی در ایجاد ارتباط میان اسباب و علل است، و او است که امداد خود را به موارد مناسب اعطا می‌کند.

برخی دیگر از مفسران می‌گویند: هرگاه اراده اصلاح طلبی از روی اخلاص و در جایگاه خالص واقع شود، خداوند این اراده و نیت را با توفیق خودش سرپرستی می‌نماید؛ چرا که توفیق و همراهی و امداد خداوند در هر جایی که اراده خیر خواهی و اصلاح طلبی انسان برای رسیدن به نتیجه مفید در حرکت باشد، آن نیز وجود خواهد داشت. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۷)

برخی دیگر در تفسیر آیه مزبور نگاشته‌اند که ضمیر در «بینهما» به دو مورد ممکن است راجع باشد، یکی حکمین و آن دو داور، که در این صورت توفیق خداوند و امداد الهی به این خود بود که میان دو داور اتحاد کلمه برای رسیدن به مقصود، برقرار کند، و دیگر آن ضمیر به زن و شوهر راجعه باشد، که در این صورت توفیق خداوند به برقراری الفت، توافق و آشتی میان آن دو است.

وَقَالَش عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ...» کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند، و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد». (نهج البلاغه، مترجم دشتی، ۱۳۹۶: ۵۲۳)

#### د) اجرای قانون

قوانین الاهی که به هدف مصلحت و سعادت انسان‌ها تشریح شده، ضرورت به اجرا در آمدن آن بر احدی پوشیده نیست، قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این ضرورت اعتراف کرده است، و در برخی موارد بهره مندی از امداد و یاری خداوند را مرهون ابلاغ و اجرای قوانین دانسته است. در آیه ۶۶ سوره مائده که پیش از این به آن پرداخته شد، سخن از اقامه تورات و انجیل است، که به طور قطع و یقین مقصود از اقامه، اجرا و عمل به قوانین آن دو می باشد، و مواردی از امداد الاهی مانند نزول برکات آسمانی، و رویش برکات زمینی را پی آمد اجرا و اقامه آن قرار داده شده است، و همچنین در آیه ۶۸ نیز ملاک ارزش اهل کتاب را اجرای قوانین تورات و انجیل معرفی می کند.

و اما در آیه ۶۷ این سوره، قانون جدیدی را برای ابلاغ و اجرا مطرح می کند، و وعده امداد و یاری را نیز به ابلاغ‌گران و مجریان آن می دهد؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...»؛ ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از گزند مردم نگاه می دارد» (مائده/۶۷) مرحوم شیخ طوسی می نویسد: معنای جمله «يعصمك من الناس»، این است که خداوند به خاطر ابلاغ قانون الهی، تو را از گزند رفتارهای زشت، شرارت‌ها و زور گویی‌ها مردم در امان نگه می دارد. (طوسی، بی تا: ۵۸۸/۳) مرحوم طبرسی می گوید: مقصود از این جمله نوعی وعده و تضمین به محافظت پیامبر اکرم در برابر رفتارهای بد مردم است.

ابن کثیر در تفسیر جمله «والله يعصمك من الناس» از آیه مزبور می نویسد: یعنی ای

پیامبر! قانون مرا ابلاغ کن و به اجرا در آور، و من در مقابل، تو را در برابر دشمنانت حفظ، یاری، و تایید می‌کنم، و تو را بر آنها پیروزت می‌گردانم، پس ترس و اندوه به خود راه مده، چرا که هیچ کسی از آنان نمی‌تواند آزاری به تو برساند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۸۰)

#### ه) مقابله به مثل در برابر ظلم

یکی از اصول کلی دین مبین اسلام، دفاع از مظلوم و مقاومت در برابر ظلم و ستم است، و ایستادگی در برابر ظلم و ستم بایستی به صورت مقابله به مثل باشد، نه تجاوزگری؛ از این رو قرآن کریم در آیاتی به این نکته اشاره نموده که هر کس در برابر ستم‌های دشمن مقابله به مثل کند، خداوند او را امداد می‌رساند و یاری‌اش می‌کند؛ «ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ...؛ آری چنین است، و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند، سپس مورد ستم قرار گیرد، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد». (حج / ۶۰)

در تفسیر قمی آمده است که مقصود از (من عاقب بمثل...) پیامبر اکرم «عَلَيْهِ السَّلَام» است، چرا که وقتی قریش او را از مکه اخراج کردند و او نیز به غار ثور پناه برد، و چند تن از قریش او را تعقیب کردند تا بکشند، خداوند از این مظلومیت پیامبر اکرم دفاع کرده و همان تعقیب کنندگان را در جنگ بدر یعنی در سال دوم هجرت به عاقبت عملشان رسانید و همه کشته شدند. پس معلوم می‌شود که به نظر تفسیر قمی نصرت بخشی و امداد آنان پیروزی شان در جنگ بدر بود. (قمی، ۱۳۷۰: ۲/۸۷)

همچنین در جای دیگر همین تفسیر، می‌گوید: مقصود از نصرت آفرین در آیه شریفه، وجود مبارک امام زمان است، که برای انتقام خون حسین یاری می‌شود.

مرحوم طبرسی می‌نویسد: مقصود از (من عاقب بمثل...) مقابله به مثل در ظلم و تجاوز است، و از قول حسن می‌گوید که معنایش این است که همانگونه که با او جنگیدند، با آنان نیز بجنگد، و در این راستا مظلوم واقع شود و از منزل خویش بیرون گردد، خداوند او را یاری می‌سازد. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۱۶۶/۷) اما مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: مقصود از



(لینصرته الله)، به قرینه سیاق آیات، و قرائن مقامیه، اذن و اجازه مبارزه و جهاد با دشمن است. و خود نوعی امداد به شمار می‌آید که عبارت از پشتوانی مظلومان علیه ظالمان است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۴/۴۰۰)

از مطالب ذکر شده در سه بخش شرایط اعتقادی و اخلاقی و رفتاری در باب امدادهای الهی برمی‌آید که: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### نتیجه‌گیری

براساس آیات و روایات و مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کلمه امداد که به معنی یاری رساندن است ممکن است در راه خیر و شر از آن استفاده شود. در قرآن کریم این یاری رساندن بصورت متصل، مداوم و پی‌درپی معنا شده است. و جنبه دائمی و مستمر داشته باشد. امداد خداوند از دیدگاه قرآن یک قانون و سنت الهی است که دائمی و مشمول پیامبران، مؤمنان و غیرمؤمنان و در همه زمان‌ها می‌شود. سنت امداد سنتی است که خدای متعال در پی اعمال انسان‌ها، اعمال می‌کند. بدین معنا که خدای متعال هم کسانی که طالب دنیا و کمالات مادی و دنیوی باشند و در راه باطل و شرگام گذارند یاری و کمک می‌کند و هم کسانی که جويا و خواستار آخرت و کمالات معنوی و اخروی باشند و در طریق حق و خیر قدم نهند یعنی وسایل پیشرفت و نیل به هدف را برای

هر دو دسته مؤمنان و غیرمؤمنان فراهم می‌سازد. براساس آیات قرآن برخی از آثار و نتایج اعتقاد و باور به امدادهای الهی عبارتند از: امیدواری در زندگی انسان، ایجاد روح توکل، از بین بردن و شکستن غرور و تکبر، تقویت ایمان و شناخت خداوند و شکر و سپاس از او، امنیت و نشاط معنوی.

بنابراین امداد دارای شرایطی است از جمله اعتفادی، اخلاقی و رفتاری که محقق در چهار بخش به روش نقلی - وحیانی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پردازش داده‌ها به روش توصیفی بدان پرداخته است.

## منابع و مأخذ

### \* قرآن

\* نهج البلاغه، رضی، شریف، دشتی، محمد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۹۶.

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، الکتب العملیه، ۱۴۱۹ق.

۲. افندی آلوسی، محمود، زاد المعانی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۳. امامی، محمد جعفر، آشتیانی، محمد رضا، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف.

۴. انصاری قرطبی، عبدالله محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۴، چاپ ۱، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۹ش.

۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۰ش.

۶. شوکانی، محمد، فتح القدير، ج ۵، بی جا، بی نا، بی تا.

۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ش.

۸. طبرسی، امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، جلد ۹، بیروت، موسسه تاریخ عربی، ۱۴۲۹ق.

۹. عروسی الحویزی، عبدالعلی، نورالثقلین، جلد ۴، بیروت، موسسه تاریخ عربی، ۱۴۲۲ق.

۱۰. فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، جلد ۷، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹قو

۱۱. وهبه، زحیلی، تفسیر المنیر، جلد ۱، بیروت، دارالفکر بیروت - دارالفکر منیر، ۱۴۱۱ق.